
زمینه‌های مہجوریت قرآن کریم در لایه‌هایی از انقلاب اسلامی و راهکارهای رفع آن

سید عیسیٰ مسترحمی (نویسنده مسئول)^۱

نجمه جلالی فر^۲

چکیده

بهره‌گیری از قرآن کریم که سند هدایت و قانون تعالی بشر است، زمینه را برای سعادت انسان و جامعه را فراهم می‌آورد و دوری و بی‌بهره شدن از معارف آن، خسران دنیا و آخرت را به همراه دارد. قرآن کریم و نیز روایات معصومان علیهم‌السلام، عواملی را برای مہجوریت قرآن کریم، چه در بین مسلمانان و چه در بین دیگر انسان‌ها بیان کرده‌اند. مطالعه و تحلیل آیات قرآن کریم به روش توصیفی و تحلیلی نشان می‌دهد، مہجوریت، دارای عوامل و زمینه‌های اعتقادی، اخلاقی و رفتاری است که وجود برخی از این موارد، دوری از قرآن را در برخی از لایه‌های انقلاب اسلامی به دنبال داشته است؛ که از آن جمله می‌توان به عدم معرفت به عظمت و کارآمدی قرآن، احساس بی‌نیازی از این کتاب آسمانی و عدم تدبر و تفکر در این متن سراسر اعجاز، کم‌توجه به تلاوت و استماع این متن مقدس، تأثیر وسوسه شیطان و

۱. عضو هیئت علمی جامعه المصطفی‌العالمیه) dr.mostarhami@chmail.ir

۲. دانش‌پژوه سطح ۴ حوزه علمیه خواهران) salarisafdar@yahoo.com

اكتفا کردن به برخی از ابعاد قرآن اشاره کرد. قرآن کریم و روایات اهل بیت علیهم‌السلام به راهکارهایی را برای زدودن این مهجوریت سفارش کرده‌اند که می‌توان از آن به‌عنوان الگویی برای نشر قرآن کریم در تمام ساحات‌های انقلاب اسلامی و زمینه‌سازی برای توجه بیشتر به این متن مقدس بهره برد. منابع دینی در زمینه‌های اعتقادی، به معرفت‌افزایی، شناخت اهداف دشمنان و پاسخ به شبهات و در زمینه‌های اخلاقی و رفتاری، شناخت و اعتقاد به آثار مثبت عملی انس و عمل به قرآن و توجه به آثار مخرب مهجوریت قرآن کریم تأکید کرده‌اند.

واژگان کلیدی: گام دوم انقلاب اسلامی، زمینه‌های مهجوریت قرآن کریم، راهکارهای رفع

مهجوریت

مقدمه

قرآن کریم کتاب هدایتی جامع و جاودانه‌ای است که بشر لازم است در تمام ساحت‌های زندگی از آن بهره برد با این حال خداوند متعال در قرآن کریم پرده از یک واقعیت برمی‌دارد و آن اینکه فردای قیامت پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ از امتش شکوه می‌کند که پروردگارا قوم من قرآن را به مہجوریت گرفتند «وَقَالَ الرَّسُولُ يَا رَبِّ إِنَّ قَوْمِي اتَّخَذُوا هَذَا الْقُرْآنَ مَهْجُورًا» (فرقان (۲۵)، آیه ۳۰)، این هشدار پیامبر عظیم شأن اسلام باید تلنگری باشد برای همه رهروان قرآن، که ممکن است با دوری از قرآن از راهنمایی‌های سعادت بخشش محروم گردند و هم فردای قیامت شرم‌منده رسول باشند. سعادت، معنویست و اخلاق انسان مسلمان به قرآن گره‌خورده است همان‌طور در بیانیه گام دوم آمده؛ معنویت و اخلاق، جهت دهنده همه حرکت‌ها و فعالیت‌های فردی و اجتماعی و نیاز اصلی جامعه است. (khamenei.ir/ndata/news/41673/971122) و این مهم با مہجوریت زدایی از قرآن حاصل می‌شود.

مطالعه و تحلیل آیات قرآن کریم و بررسی واقعیت‌های خارجی نشان می‌دهد، مہجوریت دارای عوامل و زمینه‌های اعتقادی، اخلاقی و رفتاری است که برخی از این موارد، دوری از قرآن را در برخی از لایه‌های انقلاب اسلامی به دنبال داشته است.

این پژوهش در پی آن است تا عوامل و زمینه‌هایی که باعث مہجوریت قرآن شده را شناسایی و راهکارهای قرآنی و روایی برای زدودن این مہجوریت را بیابد تا با ارائه الگویی، زمینه‌ساز نشر قرآن کریم در تمام ساحت‌های انقلاب اسلامی و توجه بیشتر به این متن مقدس باشد.

پیشینه

خاستگاه بحث این موضوع به خود آیات قرآن کریم و روایات ائمه اطهار عَلَيْهِمُ السَّلَام برمی‌گردد. در تفاسیر خصوصاً در ذیل آیه... که به آیه مہجوریت قرآن مشهور است، مطالبی در مورد آن بیان شده است. همچنین کتاب‌ها، پایان‌نامه‌ها و مقالاتی در زمینه‌های مہجوریت، علل مہجوریت، نگاشته شده است. از جمله؛ کتاب مہجوریت قرآن از دیدگاه امام خمینی رَحِمَهُ اللهُ تَعَالَى،

مریم بنان، پایان‌نامه مهجوریت قرآن و راه‌های برون‌رفت از منظر اندیشمندان اسلامی، حانیه ابطحی فروشانی از دانشکده الهیات و معارف اسلامی و مقاله؛ عوامل و زمینه‌های مهجوریت قرآن در بعد سیاسی اجتماعی در اندیشه امام رحمته‌الله، عبد الهادی فقیهی زاده و یونس اشرفی امین، بیشتر این مکتوبات با روش برون قرآنی و از نقطه نظر مسائل تاریخی و سیاسی موضوع را مورد بررسی قرار داده است؛ و نوشته مستقلی که زمینه‌های مهجوریت را از خود قرآن و احادیث استخراج نموده باشد و راهکارهای قرآنی و تدابیر ائمه علیهم‌السلام را برای مقابله با آن بیان کرده باشد نیافتیم.

گام اول: معنای لغوی و اصطلاح مهجوریت

مهجور از ماده «هَجَرَ» به فتح هاء باشد و ضد وصل است (ابن منظور، ۱۴۱۴: ۵ / ۲۵۰). معانی برای آن ذکر کرده‌اند از جمله؛ هجر و هجران ترك کردن چیزی که تعهد نسبت به آن، تو را ملزم و پایبند می‌کند (فراهیدی، ۱۴۰۹: ۳ / ۳۸۷) و برخی از لغت داتان گفته‌اند؛ یعنی ترك شده که شنیده نمی‌شود و مهجور گفته می‌شود وقتی که آن (قرآن) را به منزله هجر یعنی هذیان قرار دهند و مهجور گفته می‌شود یعنی در آن غیر حق می‌گویند (طریحی، ۱۳۷۵: ۳ / ۵۱۴) و به عقیده برخی از لغویان، دور شدن انسان از دیگری است با بدن یا با زبان و یا بادل و قلب است (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲: ۸۳۳) در واقع اصل واحدی دارد به معنای چیزی را با وجود ارتباط بین آن دو ترک و رها کردن (مصطفوی، ۱۴۳۰: ۱۱ / ۲۶۲).

مهجور از ماده «هُجِرَ» (بر وزن قفل) به ضم هاء باشد به معنی هذیان است (قریشی، ۱۳۷۱: ۷ / ۱۳۸) کلام بیهوده، بدزبانی و ناسزاگویی (فراهیدی، ۱۴۰۹: ۳ / ۳۸۷) و برخی نوشته‌اند؛ هذیانی که بیمار یا کسی که خوابیده بر زبان آورند (بستانی، ۱۳۷۵: ۱۵۸) در واقع کلامی که مورد توجه قرار نمی‌گیرد. صاحب التحقیق در جمع‌بندی نوشته؛ و به مفاهیمی مانند هذیان و فحاش به اعتبار خروج از حالت طبیعی و ترک آن گفته می‌شود (مصطفوی، ۱۴۳۰: ۱۱ / ۲۶۲).

معنای اصطلاحی

اگر خدای متعال در آیه؟؟؟ از این فعل «مهجور» به‌تنهایی استفاده کرده بود معنای آن چنین می‌شد: از قرآن دوری کردند، اعراض کردند، آن را ترك کردند و خلاصه قرآن را مهجور نمودند. ولی کلمه «اتَّخَذَ» که به معنای تصرّف و به دست آوردن است (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲: ۶۷)، هنگامی که با کلمه «مَهْجُورًا» آمده است، معنای جدیدی را القا می‌کند، که غیر از معنای مهجور کردن قرآن است، چراکه استفاده از فعل «اتَّخَذُوا» نوعی توجه به مفعول و پرداختن و دست یافتن به آن را القا می‌کند.

لذا، معنای صحیح «اتَّخَذُوا هَذَا الْقُرْآنَ مَهْجُورًا»، این است که قرآن را به مهجوریت گرفتند یعنی مؤمنانی که قرآن را برگرفته، آن را قرائت نموده اما به مفاهیم آن توجه نکرده و با عمل نکردن به تعالیم و فرمان‌ها آن، حق آن را ادا نکرده و آن را مهجور می‌سازند. همان‌طور که مقام معظم رهبری بیان کردند: بعضی قرآن را دارند اما همراه با هجر قرآن هست، اما مهجور است به این معنا که قرآن در یک جامعه تلاوت شده و احترام ظاهری می‌شود اما به احکام آن عمل نمی‌کنند، هجر قرآن به این معناست که اسم قرآن وجود دارد و حاکمیت قرآن نیست، در عالم اسلام، هر جا که قرآن حاکم نیست این خطاب نبی اکرم «وَقَالَ الرَّسُولُ يَا رَبِّ إِنَّ قَوْمِي اتَّخَذُوا هَذَا الْقُرْآنَ مَهْجُورًا» صادق است (امام خامنه‌ای، بیانات در دیدار کارگزاران نظام ۴/۶/۱۳۷۳، <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=2721>)

گام دوم: عوامل و زمینه‌های اعتقادی مهجوریت و راهکارها

از جمله مهمترین عوامل مهجوریت قرآن کریم، موانع اعتقادی و معرفتی است که با رفع و دفع آن می‌توان زمینه را برای خروج قرآن از مهجوریت فراهم کرد.

۱. عدم معرفت به عظمت قرآن کریم

از عواملی که باعث مهجوریت قرآن شده نداشتن شناخت کافی نسبت به عظمت قرآن است و عدم معرفت به فضیلت‌ها و درک نکردن عظمت آن‌ها موجب می‌گردد انسان مقدمات استفاده از آن را برای خودش فراهم ننماید. فهم عظمت هر چیز به فهم حقیقت آن

است و در قرآن این حقیقت برای احدی حاصل نشود و دست عائله بشر از آن کوتاه است مگر از طریق مکاشفه برای ذات مبارک نبی ختمی ﷺ و مخلص از اولیاء الله، اما اشاره اجمالی به عظمت همین کتاب متنزل، که در دسترس همه بشر است، موجب فواید کثیره است (موسوی خمینی، ۱۳۸۸: ۱۸۱).

خداوند متعال در عظمت قرآن می‌فرماید: «لَوْ أَنْزَلْنَا هَذَا الْقُرْآنَ عَلَىٰ جَبَلٍ لَّرَأَيْتَهُ خَاشِعًا مُّتَصَدِّعًا مِّنْ خَشْيَةِ اللَّهِ وَتِلْكَ الْأَمْثَالُ نَضْرِبُهَا لِلنَّاسِ لَعَلَّهُمْ يَتَفَكَّرُونَ» (حشر (۵۹)، آیه ۲۱). اگر این قرآن را بر کوهی نازل کرده بودیم، بی‌شک آن کوه را از خشیت خداوند، خاشع و فروپاشیده می‌دید. ما این مثال‌ها را برای مردم می‌زنیم، شاید بیندیشند.

کوه به علت حروف و ورق‌های قرآن خاشع و فروپاشیده نمی‌شود بلکه این نتیجه مضامین عظیمی است که قرآن در برگرفته و اهم و اعظم آن‌ها تجلی خالق عزوجل است. بنابراین؛ عظمت قرآن حاصل تجلی خدای متعال است (مدرسی، ۱۴۱۹: ۲۷۳/۱۵) همان‌طور در آیه دیگر می‌فرماید: «وَلَمَّا جَاءَ مُوسَىٰ لِمِيقَاتِنَا وَكَلَّمَهُ رَبُّهُ قَالَ رَبِّ أَرِنِي أَنْظُرْ إِلَيْكَ قَالَ لَنْ نَرَاكَ إِلَّا بِالنُّجُومِ أَنْظُرْ إِلَى الْجَبَلِ فَإِنِ اسْتَقَرَّ مَكَانَهُ فَسَوْفَ تَرَانِي فَلَمَّا تَجَلَّىٰ رَبُّهُ لِلْجَبَلِ جَعَلَهُ دَكًّا وَخَرَّ مُوسَىٰ صَعِقًا» (اعراف (۷)، آیه ۱۴۳) کوه اگرچه می‌تواند در نهان خود معدن پیروراند، گرچه در سینه ژرفش، سرمای سنگین یخ‌ها و برف‌ها و تگرگ‌ها را تحمل کند، اگرچه می‌تواند در دامن خود، سیل خروشان را تحمل نماید و اگرچه کوه‌ها، میخ‌های زمین هستند: «وَالْجِبَالُ أَوْتَادًا» (نبا (۷۸)، آیه ۷)، ولی تحمل «تجلی» و وحی ویژه خداوند را ندارند اینکه کوه توان دریافت و تحمل قرآن را ندارد، برای آن است که قرآن کریم «تجلی» ذات اقدس پروردگار است (جوادی آملی، ۱۳۷۸: ۲۵).

مثلی که خدای تعالی برای مردم در امر قرآن زده تا عظمت و جلالت قدر آن را از این نظر که کلام خدا است و مشتمل بر معارفی عظیم است به ذهن مردم نزدیک سازد تا درباره آن تفکر نموده و به هدایتی که از طریق عبودیت پیشنهاد کرده مهتدی شوند، چراکه انسان‌ها برای رسیدن به کمال و سعادتشان طریقی به جز قرآن ندارند (طباطبایی، ۱۴۱۷: ۲۲۲/۱۹).

همچنین در عظمت قرآن امیرالمؤمنین علیه السلام در نهج البلاغه می‌فرماید: «فَتَجَلَّى لَهُمْ سُبْحَانَهُ فِي كِتَابِهِ مِنْ غَيْرِ أَنْ يَكُونُوا رَأَوْهُ» (شریف رضی، ۱۴۱۴: خ ۲۰۴/۱۴۷) یعنی ذات اقدس پروردگار در کتابش برای مردم «تجلی» کرده، بدون آنکه بتوانند او را ببینند. هر کس در کلامش تجلی می‌کند و خود را با کلام به مخاطب نشان می‌دهد. چنان‌که پیامبر خدا صلی الله علیه و آله فرمود: «إِذَا أَحَبَّ أَحَدُكُمْ أَنْ يَحْدِثَ رَبَّهُ فَلْيَقْرَأِ الْقُرْآنَ» (ری شهری، ۱۳۸۵: ح ۵۱۸۴/۴۶۰) هرگاه فردی از شما دوست داشت با پروردگارش سخن بگوید قرآن بخواند. این ویژگی به طور کامل، تنها برای قرآن مجید باقی مانده است و هیچ کتاب آسمانی دیگر، چنین جایگاهی ندارد.

باید توجه داشت معرفت به عظمت قرآن مقدمه و زمینه‌ای برای بهره‌برداری بیشتر از این کتاب هدایت است علامه مصباح یزدی رحمته الله علیه می‌نویسد: توصیف قرآن شریف به عظیم به دو لحاظ است، یکی حقیقت آن و مرتبه‌ای از علم الهی بودنش و دیگری اهمیتش در تکامل انسان و کاربردی بودنش برای انسان است (مصباح یزدی، ۱۳۷۶: ۶۰) چراکه قرآن مملو از برنامه‌های زندگی است که هدف اصلی نزول قرآن را تشکیل داده است.

۲. عدم معرفت به کارآمدی قرآن کریم

عدم معرفت به کارآمد بودن قرآن و اینکه «لِتُخْرِجَ النَّاسَ مِنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ» (ابراهیم (۱۴)، آیه ۱) و «إِنَّ هَذَا الْقُرْآنَ يَهْدِي لِلَّتِي هِيَ أَقْوَمُ» (اسراء (۱۷)، آیه ۹) و «شِفَاءٌ لِمَا فِي الصُّدُورِ» (یونس (۱۰)، آیه ۵۷) و «وَلَا رَطْبٌ وَلَا يَابِسٌ إِلَّا فِي كِتَابٍ مُبِينٍ» (انعام (۶)، آیه ۵۹) و «تَبْيَانًا لِكُلِّ شَيْءٍ» (نحل (۱۶)، آیه ۸۹) است. زمینه مهجوریت این کتاب زندگی شده است.

خداوند متعال می‌فرماید: «كِتَابٌ أَنْزَلْنَاهُ إِلَيْكَ لِتُخْرِجَ النَّاسَ مِنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ بِإِذْنِ رَبِّهِمْ إِلَى صِرَاطٍ الْعَزِيزِ الْحَمِيدِ» (ابراهیم (۱۴)، آیه ۱) در حقیقت تمام هدف‌های تربیتی و انسانی، معنوی و مادی نزول قرآن، در همین يك جمله جمع است: «بیرون ساختن از تاریکی‌ها به نور!» از ظلمت جهل به نور دانش، از ظلمت کفر به نور ایمان، از ظلمت

ستمگری و ظلم به نور عدالت، از ظلمت فساد به نور صلاح، از ظلمت گناه به نور پاکی و تقوی و از ظلمت پراکندگی و تفرقه و نفاق به نور وحدت است (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴: ۲۶۴/۱۰).

آخرین آیه این سوره یعنی آیه «هَذَا بَلَاغٌ لِلنَّاسِ وَلِيُنذِرُوا بِهِ...» (ابراهیم (۱۴)، آیه ۵۲) در مقابل آیه «كِتَابٌ أَنْزَلْنَاهُ» مؤید این است که مقصود از «ناس» تنها همان افرادی نیست که در زمان رسول خدا ایمان آوردند و از تاریکی‌ها به سوی نور بیرون آمدند، بلکه منظور عموم افراد بشر است منظور از «ظلمات» در آیه شریفه، ضلالت و گمراهی و منظور از «نور»، هدایت است که مفرد آمده زیرا حق یکی است و هیچ فرق و تغایری میان مصادیق آن نیست، به خلاف ضلالت که مصادیق مختلفی دارد، چون ضلالت ناشی از پیروی هواهای نفسانی است که باهم اختلاف دارند و افراد و مصادیق هوی یک جور نیستند و «لام» در «لِتُخْرِجَ» برای غرض و هدف است نه عاقبت و سرانجام، زیرا اگر چنین بود باید همه مردم اهل ایمان باشند، درحالی‌که چنین نیست (طباطبایی، ۱۴۱۷: ۸/۱۲). بنابراین فلسفه نزول کتاب‌های آسمانی و بعثت انبیا، نجات بشر از تاریکی‌هاست.

حضرت علی علیه السلام کلید حل همه مشکلات را قرآن معرفی کند و در وصف آن می‌فرماید: «إِنَّ فِيهِ عِلْمَ مَا يَأْتِي وَ الْحَدِيثَ عَنِ الْمَاضِي وَ دَوَاءَ دَائِكُمْ وَ نَظْمَ مَا بَيْنَكُمْ» (شریف رضی، ۱۴۱۴: خ ۲۲۳/۱۵۸) بدانید که در قرآن علم آینده و حدیث روزگاران گذشته است، شفا دهنده دردهای شما و سامان دهنده امور فردی و اجتماعی شما است.

معرفت به کار آیی قرآن کریم را می‌توان تحت سه عنوان: قرآن پاسخگوی نیازهای بشر امروزی، جامعیت قرآن در هدایت و قرآن شفای قلوب، تبیین کرد.

الف) قرآن پاسخگوی نیازهای بشر امروزی

قرآن کریم تنها برای هدایت مردم در یک زمان خاص نازل نشده است، بلکه هدایت همه افراد بشر را در همه نقاط دنیا و تا روز قیامت بر عهده دارد چنانکه می‌فرماید: «الْقُرْآنُ هُدًى لِلنَّاسِ» (بقره (۲)، آیه ۱۸۵) و می‌فرماید: «هُوَ الَّذِي أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدَى وَ دِينِ الْحَقِّ لِيُظْهِرَهُ

عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ وَ لَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ» (توبه (۹)، آیه ۳۳) او کسی است که رسولش را با هدایت و آیین حق فرستاد تا آن را بر همه آیین‌ها غالب گرداند، هرچند مشرکان کراهت داشته باشند.

لازمه این‌که خداوند پیامبری را فرستاده که دینش بر همه ادیان غالب است همین است که معارف و احکام آن دین ابدی است. مفهوم ختم نبوت نیز همین است که پیامبر خاتم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ همه دستورات لازم برای زندگی بشر را که مطابق مصالح همیشگی امت اوست، آورده و نیازی به تجدید دین نمانده است. پس دین پیامبر خاتم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ و به تبع آن، کتاب آسمانی‌اش همیشگی خواهد بود و برای همه زمان‌ها پاسخگوی نیاز انسان‌ها است. بسیاری از آیات قرآن گرچه در موارد خاص نازل شده و حکم آن موارد را روشن کرده، ولی اختصاصی به آن موارد نداشته و برای همیشه در جریانات مشابه، جاری است (فرقانی، بی تا، ۴۲).

امام صادق عَلَيْهِ السَّلَام در پاسخ به سؤال شخصی که پرسید: «سَأَلَ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ ع مَا بَالُ الْقُرْآنِ لَا يُرَدُّ عَلَى النَّشْرِ وَ الدَّرْسِ إِلَّا غَضَاظَةً فَقَالَ إِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى لَمْ يَجْعَلْهُ لِزَمَانٍ دُونَ زَمَانٍ وَ لِتَنَاسٍ دُونَ نَاسٍ فَهُوَ فِي كُلِّ زَمَانٍ جَدِيدٌ وَ عِنْدَ كُلِّ قَوْمٍ غَضٌّ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ» (ری شهری، ۱۳۸۵: ح ۴۵۸/۵۱۶۸) چرا قرآن هر چه بیشتر منتشر می‌شود، طراوت و شادابی آن بیشتر می‌گردد (برخلاف سایر کتب که باگذشت زمان کهنه می‌شود)، فرمودند: زیرا خداوند تبارک و تعالی آن را برای زمانی خاص و مردمی خاص قرار نداده و بنابراین، در هر زمان، جدید و تازه است و در نزد هر مردمی، طراوت و شادابی خود را تا روز قیامت دارد.

ب) جامعیت قرآن در هدایت

جامعیت قرآن در هدایت از مسائلی است که علماء در آن اتفاق نظر دارند و مقصد قرآن، چنانچه خود آن صحیفه نورانیه فرماید، هدایت به سبب سلامت است و اخراج از همه مراتب ظلمات است به عالم نور و هدایت به طریق مستقیم است. بنابراین انسان باید از قرآن شریف راه سلامت و معدن نور مطلق و طریق مستقیم را طلب کند (موسوی خمینی، بی تا: ۲۰۳).

با آنکه قرآن برای هدایت همه است؛ «هُدًى لِّلنَّاسِ» (بقره (۲)، آیه ۱۸۵) ولی تنها کسانی از این نور بهره می‌برند که پنجره روح خود را به سمت آن باز کنند و لجاجت و عناد را کنار گذاشته، باروحی سالم به سراغ قرآن روند؛ «هُدًى لِّلْمُتَّقِينَ» (بقره (۲)، آیه ۲) و لذا لجوجان بیمار دل را جز خسارت نمی‌افزاید؛ مانند بارانی که زلال و پاک است، وقتی بر مرداری ببارد، بوی تعفن برخیزد (قرائتی، ۱۳۸۸: ۵۶۴). برنامه قرآن، آخرین برنامه انسان‌سازی است که در اختیار ما گذاشته شده است و بهترین نوع هدایت رادار است امام علی علیه السلام در این زمینه می‌فرمایند: «الْقُرْآنُ أَفْضَلُ الْهُدَايَاتِينَ» (علی بن ابی طالب علیه السلام، ۱۳۷۸: ح ۱۱۱/۱۹۷).

ج) قرآن شفای قلوب

قرآن «شِفَاءٌ لِّمَا فِي الصُّدُورِ» (یونس (۱۰)، آیه ۵۷) است ظلمت گناهان و مرض‌های قلبی؛ آز، حسد، غرور، کینه، بخل و... را از بین می‌برد زیرا «دَوَاءٌ لِّیَسِّ بَعْدَهُ دَاءٌ» (شریف رضی، ۱۴۱۴: خ ۳۱۶/۱۹۸) دارویی است که با آن بیماری وجود ندارد. اما متأسفانه نبود این معرفت و یا به اعتقاد و باور تبدیل نشدن این معرفت زمینه مهجوریت این کتاب مبارک و هدایت را فراهم آورده است.

برای درک اثر قرآن در قلوب این کافی است که امام علی علیه السلام می‌فرماید: «مَا لِلْقُلُوبِ جِلَاءٌ غَيْرُهُ» (شریف رضی، ۱۴۱۴: خ ۲۵۴/۱۷۶) برای قلب جلایی جز قرآن نتوان یافت و همچنین پیامبر اکرم (صلی الله علیه و واله) فرمودند: «إِنَّ هَذِهِ الْقُلُوبَ تَصْدَأُ كَمَا يَصْدَأُ الْحَدِيدُ قَبْلَ فَمَا جِلَاؤُهَا قَالَ ذَكَرُ اللَّهُ وَ تِلَاوَةُ الْقُرْآنِ» (راوندی، ۱۴۰۷: ۲۳۷) این دل‌ها نیز همانند آهن زنگار می‌بندد. عرض شد: ای رسول خدا، صیقل دهنده دل‌ها، چیست؟ فرمود: یاد خدا و تلاوت قرآن.

۳. عدم تدبر و تفکر در این متن سراسر اعجاز

یکی دیگر از حجب که مانع از استفاده از این صحیفه نورانیه و زمینه مهجوریت است اعتقاد به آن است که جز آن‌که مفسرین نوشته یا فهمیده‌اند کسی را حق استفاده از قرآن شریف نیست؛ و تفکر و تدبیر در آیات شریفه را به تفسیر به رأی، که ممنوع است، اشتباه

نموده‌اند و توجه بیش از حد به الفاظ و عبارات قرآن، اعتقاد به این‌که تنها به تلاوت و لقلقه زبان قناعت شود. در حالی هدف از نزول قرآن این بوده که آیاتش سرچشمه فکر و اندیشه و مایه بیداری وجدان‌ها گردد همان‌طور که خداوند متعال می‌فرماید: «كِتَابٌ أَنْزَلْنَاهُ إِلَيْكَ مُبَارَكٌ لِيَدَّبَّرُوا آيَاتِهِ وَلِيَتَذَكَّرَ أُولُو الْأَلْبَابِ» (ص (۳۸)، آیه ۲۹) این کتابی است پربرکت که بر تو نازل کرده‌ایم تا در آیات آن تدبیر کنند و خردمندان متذکر شوند! و آن نیز به نوبه خود حرکتی در مسیر عمل بیافریند در نتیجه عدم تدبیر و تفکر مانع از حرکت در مسیر عمل به قرآن و زمینه مہجوریت قرآن این کتاب هدایت می‌شود.

امام علی علیه السلام می‌فرماید: «أَلَا لَا خَيْرَ فِي قِرَاءَةِ لَيْسَ فِيهَا تَدَبُّرٌ» (کلینی، ۱۴۰۷: ۳۶/۱) بدانید در قرآن خواندنی که با تدبیر همراه نباشد خیری نیست. چراکه قرآن کریم برای هدایت بشر نازل شده است و برای دستیابی به گنجینه‌های ارزشمند آن، باید خود را مخاطب آیات خدا قرارداد و درباره آن به تفکر و اندیشه پرداخت. همان‌طور که امام سجاد علیه السلام فرمودند: «آيَاتُ الْقُرْآنِ حَزَائِنٌ فَكَلَّمَا فَتَحَتْ حِزَانَهُ يُنْبَغِي لَكَ أَنْ تَنْظُرَ مَا فِيهَا» (کلینی، ۱۴۰۷: ۶۰۹/۲) آیات قرآن گنجینه‌ها است، پس هرگاه يك گنجینه را باز می‌کنی، باید بنگری که در آنچه نهفته است.

در وصیت‌هایی که رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم به معاذ کردند از جمله آن‌ها تدبیر در قرآن بود «و تَدَبَّرِ الْقُرْآنَ» (دیلمی، ۱۴۱۲: ۷۳/۱). ایشان هم‌چنین در خطبه‌ای فرمودند: «أَيُّهَا النَّاسُ تَدَبَّرُوا الْقُرْآنَ الْمَجِيدَ فَقَدْ دَلَّكُمْ عَلَى الْأَمْرِ الرَّشِيدِ» (دیلمی، ۱۴۱۲: ۸۰/۱) ای گروه مردم بسیار تدبیر و تفکر کنید در قرآن مجید زیرا فقط قرآن است که دلالت می‌کند شمارا به راه راست. درواقع هرکس به اندازه ظرفیت‌ها و استعدادها خود می‌تواند از تعالیم این کتاب بهره‌مند شود و آن را بفهمد چراکه خداوند چهار بار فرموده: «وَلَقَدْ يَسَّرْنَا الْقُرْآنَ لِلذِّكْرِ فَهَلْ مِنْ مُدَكِّرٍ» (قمر (۵۴)، آیات ۱۷ و ۲۲ و ۳۲ و ۴۰). قرآن را برای تذکر آسان ساختیم؛ آیا کسی هست که متذکر شود.

۴. احساس بی‌نیازی از قرآن کریم

یکی دیگر از موانع استفاده از قرآن کریم که زمینه مهجوریت را فراهم کرده احساس بی‌نیازی نسبت به قرآن است اینکه انسان سلوک علمی و عملی خود را وضعی خوش‌آیند برای پیوند با قرآن بیندارد و استفاده از قرآن را به حفظ همان وضع بداند، در حقیقت برای پیوند با قرآن تنها به یک‌راه رفته و از راه‌های بسیار دیگر بازمانده است. همان‌طور که امام خمینی رحمته‌الله علیه می‌گوید: شاهکارهای مهم شیطان است که همیشه کمالات موهومه را بر انسان جلوه دهد و انسان را به آنچه دارد راضی و قانع کند و ماوراء آنچه پیش اوست هر چیز را از چشم او ساقط کند (موسوی خمینی، ۱۳۸۸: ۱۹۵).

چنین اشخاصی چون به یافته‌های خود بسنده می‌کنند درصدد برنمی‌آیند تا برای استفاده بیشتر و کامل‌تر از قرآن اندیشه کنند و راه‌های پیوند خود با قرآن را بگسترانند و فزونی بخشند عملاً در زمینه‌هایی قرآن را مهجور می‌گذارند در نتیجه زمینه مهجوریت قرآن فراهم می‌شود. لذا خداوند متعال می‌فرماید: «كَلَّا إِنَّ الْإِنْسَانَ لِرَبِّهِ * أَنْ رَأَهُ اسْتَعْنَى» (علق (۹۶)، آیه ۷ - ۶). هرگز چنین نیست، قطعاً انسان طغیان می‌کند، به خاطر اینکه خود را توانگر بیند و تعبیر لطیف آیه نیز اشاره به همین معنی است که می‌گوید: «خود را بی‌نیاز می‌بیند» نمی‌گوید: «بی‌نیاز می‌شود» (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴: ۱۶۴/۲۷). امام علی علیه السلام می‌فرماید: «وَقَدْ خَاطَرَ مَنْ اسْتَعْنَى بِرَأْيِهِ» (شریف رضی، ۱۴۱۴: ح ۲۱۱) و آن‌کس که بارای خود احساس بی‌نیازی کند به کام خطرها افتد. بدین سبب، باید کوشید تا حقیقت‌ها و آموزه‌های قرآن، یکی پس از دیگری بر صفحه قلب نیز نقش بندد و هیچ‌زمان خود را بی‌نیاز از مرتبه دیگر ندید.

۵. عدم توجه به ابعاد اعجازی قرآن کریم (محدودنگری)

اعجاز قرآن پایه‌ای برای بسیاری از معارف قرآن است. اگر معجزه بودن قرآن ثابت نشود، نقش هدایتی خود را به خوبی ایفا نمی‌کند. اهمیت فوق‌العاده اعجاز موجب شده است دشمنان شبهات فراوانی وارد کنند؛ زیرا آنان به خوبی دریافتند تا باور و توجه به ابعاد اعجازی قرآن در میان مسلمانان باشد، هیچ‌گاه نمی‌توانند به اهداف شوم خود برسند و بر

آنان مسلط شوند. هر کتابی در جهان، ویژگی بارزی دارد. که با آن ویژگی از کتاب‌های دیگر، جدایی می‌یابد، ویژگی بارز و اصیل قرآن، اعجاز آن است. این بزرگ‌ترین مرزی است، که به قرآن، اصالت ماورایی می‌بخشد و او را از همه کتاب‌های موجود در جهان جدا می‌کند. لذا عدم توجه به ابعاد اعجازی قرآن یکی از عواملی است که زمینه مہجوریت قرآن را فراهم می‌کند و باعث کمتر شدن توجه مسلمانان به قرآن کریم می‌شود. خداوند متعال با صراحت از اعجاز قرآن سخن می‌گوید و می‌فرماید:

«قُلْ لَئِنِ اجْتَمَعَتِ الْإِنْسُ وَالْجِنُّ عَلَىٰ أَنْ يَأْتُوا بِمِثْلِ هَذَا الْقُرْآنِ لَا يَأْتُونَ بِمِثْلِهِ وَ لَوْ كَانَ بَعْضُهُمْ لِبَعْضٍ ظَهِيرًا» (اسراء (۱۷)، آیه ۸۸). بگو: اگر انسان [ها] و جن [ها] جمع شوند، بر اینکه همانند این قرآن را بیاورند، مانند آن را نخواهند آورد؛ و اگرچه برخی آنان، پشتیبان برخی [دیگر] باشند. تاکنون دشمنان عرب‌زبان از اهل کتاب و مکتب‌های الحادی، با همه دشمنی‌هایشان با اسلام و حمایت قدرت‌های گوناگون، نتوانسته‌اند مثل قرآن را بیاورند (قرائتی، ۱۳۸۳: ۱۱۶/۵) این بهترین دلیل بر معجزه بودن قرآن است ...

همچنین رسول اکرم ﷺ می‌فرماید: «لَا تُحْصَىٰ عَجَائِبُهُ وَلَا تُبْلَىٰ غَرَائِبُهُ فِيهِ مَصَابِيحُ الْهُدَىٰ وَ مَنَارُ الْحِكْمَةِ وَ دَلِيلٌ عَلَى الْمَعْرِفَةِ لِمَنْ عَرَفَ الصِّفَةَ» (کلینی، ۱۴۰۷: ۵۹۹/۲)؛ شگفتی‌هایش شماره نشوند و تازه‌هایش کهنه نگردند، در آن است چراغ‌های هدایت و فروزان‌گاه حکمت و دلیل بر معرفت، برای کسی که راه آن را بداند. برخی از اندیشمندان قرآن کریم را به دریای تشبیه کرده‌اند که هر یک از اعجاز، همچون امواج آن می‌ماند؛ «القرآن بحر یموج بالاعجاز» قرآن دریایی است و در هر موجی از آن معجزه‌ای خیزد لذا بسیاری از دانشمندان و مفسران وجوه مختلف اعجاز قرآن مجید را یادآور شده‌اند (کمره‌ای، ۱۳۷۵: ۷۱۶/۲). هر مسلمانی که معتقد به اعجاز قرآن است باید بداند قرآن شریف در ابعاد گوناگون از جمله؛ اعجاز بیانی، اخبار غیبی، اعجاز هماهنگی، اعجاز در بیان معارف، اعجاز تشریحی، اعجاز علمی، اعجاز موسیقی یا نظم آهنگ قرآن، برهان‌های محکم قرآن و اعجاز قرآن از ناحیه شخصیت آورنده آن اعجاز دارد که با شناخت آن‌ها برای افراد گوناگون

و در سطوح مختلف می‌توان آن‌ها را به قرآن علاقه‌مند کرد و زمینه بهره‌مندی بیشتر از این کتاب عزیز را فراهم کرد.

۶. عدم معرفت به جایگاه اهل بیت علیهم‌السلام به عنوان تبیین‌کنندگان قرآن

قرآن و عترت پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم دو ودیعه الهی و دو گوهر گران‌بهای به جای مانده از رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم هستند که مایه سعادت انسان‌ها و جوامع بشری به حساب می‌آیند. چراکه مقصد نهایی قرآن تکامل انسان است و عترت پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم انسان‌های کاملی هستند که راهنمای این راه هستند و انسان کامل گفتار، اعمال، تقریر، سکوت و بالاخره همه شئون زندگی‌اش نشان‌دهنده خداست؛ از این رو است که خداوند قول، فعل و تقریر او را حجت کرده است. لذا مهجوریت هر يك مهجوریت دیگری را در پی دارد. مشرکان مستقیماً قرآن را ترک کرده و منافقان چون صریحاً نتوانستند قرآن را ترک کنند، غیرمستقیم آن را نفی کرده و گفتند «حسبنا کتاب الله» (بیهقی، ۱۴۰۸: ۱۸۳/۷) تا با این بهانه کتاب خدا را هم حذف کنند.

خداوند متعال می‌فرماید: «وَ أَنْزَلْنَا إِلَيْكَ الذِّكْرَ لِتُبَيِّنَ لِلنَّاسِ مَا نُزِّلَ إِلَيْهِمْ وَ لَعَلَّهُمْ يَتَفَكَّرُونَ» (نحل (۱۶)، آیه ۴۴) و ما این ذکر [قرآن] را بر تو نازل کردیم تا آنچه به سوی مردم نازل شده است برای آن‌ها روشن‌سازی؛ و شاید اندیشه کنند! تبیین را به نبی نسبت داده به اعتبار اینکه ایشان مبلغ انسان‌ها است و لام در «لِتُبَيِّنَ» علت فرستادن قرآن است (ابن عاشور، ۱۴۰۰: ۱۳۲/۱۳).

قال رسول الله - صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَ آله وَ سَلَّمَ: «إِنِّي تَارِكٌ فِيكُمْ الثَّقَلَيْنِ مَا إِنْ تَمَسَّكْتُمَا بِهِمَا لَنْ تَضَلُّوا كِتَابَ اللَّهِ وَ عِثْرَتِي أَهْلَ بَيْتِي وَ إِنَّهُمَا لَنْ يَفْتَرِقَا حَتَّى يَرِدَا عَلَى الْحَوْضِ» (مجلسی، ۱۴۰۳: ۲/۲۸۵) من میان شما دو یادگار گران‌سنگ برجای می‌گذارم؛ اگر تمسک کنید به آن دو هرگز گمراه نخواهید شد کتاب خدا و عترتم؛ آنان از یکدیگر جدا نمی‌شوند تا زمانی که در حوض بر من وارد شوند.

از جمله وجوه هماهنگی که بین قرآن و اهل‌البیت وجود دارد چهار وجه؛ جاودانگی قرآن و اهل‌البیت علیهم‌السلام، جهانی بودن قرآن و اهل‌البیت علیهم‌السلام، ولایت قرآن و اهل‌البیت علیهم‌السلام و

حیات بخشی آن‌ها است.

۷. تصورات باطل همچون وجود خطاهای علمی و غیرعلمی

دشمنان اسلام به دنبال منافع مادی خود در طول تاریخ تلاش کردند تصورات باطلی را در مقابله با نور خدا به وجود بیاورند یکی از آن‌ها تصور خطاهای علمی و غیرعلمی در قرآن است تا بدین وسیله موضوع الهی بودن متن قرآن از مهم‌ترین مباحث وحی و مصادر آن است که طبق دیدگاه عموم مسلمانان تنها مصدر و منبع وحی و آیات قرآن کریم خداوند حکیم و علیم است را زیر سؤال ببرند و این‌طور القا کنند این خطاها نشانه بر ساختگی و غیر الهی بودن قرآن است. این عمل آن‌ها زمینه مهجوریت قرآن عزیز را فراهم می‌آورد. لذا خداوند متعال می‌فرماید: «يُرِيدُونَ لِيُظْفَرُوا نُورَ اللَّهِ بِأَفْوَاهِهِمْ وَاللَّهُ مُتِمُّ نُورِهِ وَ لَوْ كَرِهَ الْكَافِرُونَ» (صف (۶۱)، آیه ۸) آنان می‌خواهند نور خدا را با دهان خود خاموش سازند؛ ولی خدا نور خود را کامل می‌کند هرچند کافران خوش نداشته باشند!

آیه تشبیه جالبی برای تلاش‌های بی‌سرانجام یهود و نصاری و یا همه مخالفان اسلام حتی مشرکان کرده است مسئله خاموش کردن نور خدا در دو مورد از قرآن آمده یکی آیه فوق اشاره به خاموش کردن بدون مقدمه است (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲: ۵۲۲).

مردی خدمت امیر مؤمنان، علی عليه السلام رسید و گفت: «اگر در قرآن شما اختلاف و تناقض نبود، دین شما را انتخاب می‌کردم»؛ حضرت فرمود: موارد یادشده را برشمار؛ وی موارد متعددی را بازگو کرد و حضرت نیز پاسخ همه آن‌ها را داد و هنگامی که شبهاش رفع گردید، اسلام را پذیرفت (طبرسی، ۱۴۰۳: ۱/۲۴۱).

از جمله تصوراتی زمینه‌ی وجود خطاهای علمی و غیرعلمی در قرآن می‌توان به موارد زیر اشاره کرد.

الف) تصور ناسازگاری قرآن با واقعیت‌های علمی

ب) تصور تناقض و تعارض آیات با یکدیگر

ج) تصور اغلاط ادبی در قرآن

د) تصور وجود مسائل شخصی پیامبر در قرآن

گام سوم: زمینه‌های اخلاقی و رفتاری مهجوریت از منظر آیات و روایات در این گام عوامل و زمینه‌های اخلاقی و رفتاری که باعث مهجوریت قرآن شده و بیان آثار مثبت عملی انس و عمل به قرآن و توجه به آثار مخرب مهجوریت قرآن کریم در جهت رفع مهجوریت ارائه می‌شود.

۱. کم‌توجهی یا بی‌توجهی به تلاوت و استماع قرآن

قرآن کریم، رزق روحی مؤمن است نخستین آیاتی که بر رسول اکرم ﷺ نازل شد با کلمه «إقرأ» آغاز می‌شود (علق (۹۶)، آیه ۱). نبی مکرم خود مأمور بود که آیات الهی را پس از تلقی از فرشته وحی بر مردم بخواند (نمل (۲۷)، آیات ۹۲-۹۱) و همه اصحاب می‌بایست تا جایی که می‌توانند در روز و شب، در نماز و غیر آن قرآن را تلاوت کنند (مزمّل (۷۳)، آیه ۲۰) و همین کار را می‌کردند، زیرا در میان مسلمانان یگانه چیزی که مایه نشاط و کسب قدرت روحی و صفای باطن بوده، همان موسیقی قرآن است. ندای آسمانی قرآن در اندک مدتی از مردم وحشی شبه جزیره عربستان، چنان مؤمنان ثابت‌قدمی، به وجود آورد که توانستند با بزرگ‌ترین قدرت‌های زمانه درافتند و آن‌ها را از پا درآورند؛ اما امروزه متأسفانه کم‌توجهی یا بی‌توجهی به قرائت و استماع قرآن باعث شده از این رزق روحی محروم شده و از طرفی زمینه مهجوریت این کتاب هدایت را فراهم آورده باشیم. خداوند متعال می‌فرماید: «فَأَقْرُؤْ مَا تَيَسَّرَ مِنَ الْقُرْآنِ» (مزمّل (۷۳)، آیه ۲۰) پس آنچه (برای شما ممکن و) آسان است از آن (قرآن) بخوانید.

تأکید خداوند بر قرائت قرآن ما را به عظمت قرائت قرآن هدایت می‌کند، تکامل عقلی با تفکر در خلق خداوند و تدبر آیات قرآنش به دست آید، لذا سزاوار نیست برای مؤمن ترک کند قرائت قرآن را در هر حالی و لو با مقدار قرائتی که می‌تواند (مدرسی، ۱۴۱۹: ۴۲/۱۷).

منظور از «تلاوت قرآن» تلاوتی که به‌عنوان درس و فراگیری برای خودسازی و پرورش ایمان و تقوا باشد همان‌طور که حضرت رضا علیه السلام از اجدادش علیهم السلام روایت فرمود: آنچه ممکن

است از آن برای شما در قرائت قرآن خشوع قلب و صفاء باطن (طبرسی، ۱۳۷۲: ۵۷۶/۱۰). این معنی، قرائت ارزشمند نزد خداوند را مطرح می‌نماید ولیکن بدان معنی نیست که پس هرگاه خشوع دل و صفای باطن حاصل نشد و انسان در حالت نامناسبی بسر برد در آن روز، دیگر، قرائت قرآن منتفی است، چراکه در هر شرایط و احوالی از حداقل مقدار قرائت نمی‌توان دست کشید که «ده آیه» است. همان‌طور که امام خمینی رحمته‌الله علیه در نامه‌ای خطاب به فرزندش نوشته است: تصور نکن قرائت بدون معرفت اثری ندارد که این وسوسه شیطان است (موسوی خمینی، ۱۳۸۸: ۲۱۱/۱۶). روزی به ایشان عرض کردند: حاج آقا شما که سرپای وجودتان قرآن عملی است، دیگر چرا این قدر قرآن می‌خوانید؟ امام رحمته‌الله علیه مکتبی کردند و فرمودند: «هر کس بخواهد از آدمیت سر دربی‌آورد و آدم بشود، باید دائم قرآن بخواند» (ستوده، ۱۳۸۷: ۱۵۷/۲). از این روست که پیامبر صلی‌الله علیه و آله و سلم در وصیت خود به علی علیه‌السلام می‌فرماید: «وَ عَلَیْكَ بِتِلَاوَةِ الْقُرْآنِ عَلَی كُلِّ حَالٍ» (کلینی، ۱۴۰۷: ۷۹/۸) بر تو باد به خواندن قرآن در همه حال.

۲. تأثیر وسوسه شیطان

شیطان بعد از سجده نکردن بر حضرت آدم علیه‌السلام از درگاه رحمت الهی رانده شد و از همان روزبه عزت خداوند سوگند یادکرد که همه فرزندان آدم را گمراه خواهد کرد (ص ۳۸)، آیه ۸۲)، لذا تمامی هم او در این است که نگذارد حتی يك انسان به سعادت زندگی و حسن عاقبت برسد. انسان را به کارهای زشت تشویق (نور ۲۴)، آیه ۲۱) بدی‌های او را نیز زیبا جلوه می‌دهد تا به توبه موفق نگردد (انعام ۶)، آیه ۴۳) قرآن کریم نیز تصریح می‌کند که شیطان را دشمن خود بگیریم (فاطر ۳۵)، آیه ۶) هرگاه انسان دشمن خود را رودرروی خود ببیند، طبعاً از خود دفاع می‌کند اما دشمن پنهان درونی بدترین دشمنان است، چراکه انسان از آن غافل و از نقشه‌های او کمتر آگاه می‌گردد. مهم‌ترین دشمنان درونی انسان، شیطان ملعون و نفس انسان هستند. از آنجاکه شیطان اعمال زشت را برای انسان نیکو جلوه می‌دهد نتیجه این می‌شود که انسان به سوی قرآن نمی‌رود و زمینه مهجوریت این کتاب هدایت را

فراهم می‌کند.

خداوند متعال می‌فرماید: «وَمَنْ يَعِشْ عَنِ ذِكْرِ الرَّحْمَنِ نُقِضْ لَهُ شَيْطَانًا فَهُوَ لَهُ قَرِينٌ* وَ إِنْهُمْ لَيَصُدُّونَهُمْ عَنِ السَّبِيلِ وَيَحْسَبُونَ أَنَّهُمْ مُهْتَدُونَ» (زخرف (۴۳)، آیه ۳۶ و ۳۷) و هر کس از یاد خدا روی‌گردان شود شیطان را به سراغ او می‌فرستیم پس همواره قرین اوست! و آن‌ها [شیاطین] این گروه را از راه خدا بازمی‌دارند، درحالی‌که گمان می‌کنند هدایت یافتگان حقیقی آن‌ها هستند! کلمه «يَصُدُّونَهُمْ» از مصدر «صد» است که به معنای برگرداندن و منصرف کردن است (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲: ۴۷۷).

شیطان و لشکریانش ابتدائاً بر انسان تسلطی ندارند همان‌طور قرآن از قول شیطان می‌فرماید: «وَمَا كَانَ لِي عَلَيْكُمْ مِنْ سُلْطَانٍ إِلَّا أَنْ دَعَوْتُكُمْ فَاسْتَجَبْتُمْ لِي» (ابراهیم (۱۴)، آیه ۲۲) و برای من هیچ تسلطی بر شما نبود، جز اینکه شما را فراخواندم و [درخواست] مرا پذیرفتید. زمانی تسلط پیدا می‌کند که انسان خودش مقدمات را فراهم کند درواقع سلطه شیطان در اثر اعمال خود ماست (قرائتی، ۱۳۸۳: ۴۵۵/۸) «وَمَنْ يَعِشْ عَنِ ذِكْرِ الرَّحْمَنِ نُقِضْ لَهُ شَيْطَانًا» (زخرف (۴۳)، آیه ۳۶) و اینکه خداوند می‌فرماید: «و هر کس از یاد خدا روی‌گردان شود شیطان را به سراغ او می‌فرستیم پس همواره قرین اوست!» معلوم می‌شود یاد خدا مانع کار شیطان و اسلحه انسان در مقابل شیطان است و قرآن ذکر و یاد خداست (حجر (۱۵)، آیه ۹) و جمله «فَهُوَ لَهُ قَرِينٌ» بعد از آن آمده تا این معنی را تأکید کند که شیاطین از این‌گونه افرادی که از یاد خدا روی‌گردان می‌شوند هرگز جدا نمی‌شوند! (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴: ۶۷/۲۱) لذا دشمن قسم خورده همواره می‌کوشد از طریق هواهای نفسانی و با فراموشی یاد خدا تسلط پیدا کند. رسول خدا ﷺ می‌فرماید: «لَوْ لَا أَنَّ الشَّيَاطِينَ يَحُومُونَ عَلَى قُلُوبِ بَنِي آدَمَ لَنْظَرُوا إِلَى مَلَكُوتِ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ» (مجلسی، ۱۴۰۳: ۳۳۲/۶۰) اگر شیطان‌ها برگرد دل‌های آدمیان نمی‌گشتند، هرآینه انسان‌ها ملکوت را می‌دیدند.

۳. عمل نکردن متصدیان قرآن به قرآن کریم

خداوند متعال می‌فرماید: «أَتَأْمُرُونَ النَّاسَ بِالْبِرِّ وَ تَنْسَوْنَ أَنفُسَكُمْ وَأَنْتُمْ تَتْلُونَ الْكِتَابَ أ

فَلَا تَعْلَمُونَ» (بقره (۲)، آیه ۴۴) آیا مردم را به نیکی (و ایمان به پیامبری که صفات او آشکارا در تورات آمده) دعوت می‌کنید، اما خودتان را فراموش می‌نمایید؛ باینکه شما کتاب (آسمانی) را می‌خوانید! آیا نمی‌اندیشید؟! گرچه روی سخن در آیات فوق همچون آیات قبل و بعد، به بنی‌اسرائیل است، ولی مسلماً مفهوم آن گسترده است و دیگران را نیز شامل می‌شود (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴: ۱/۲۱۵).

امام صادق علیه السلام می‌فرماید: «كُونُوا دُعَاةَ النَّاسِ بِأَعْمَالِكُمْ وَ لَا تَكُونُوا دُعَاةَ بِأَلْسِنَتِكُمْ» (مجلسی، ۱۴۰۳: ۵/۱۹۸) مردم را با عمل خود به نیکی‌ها دعوت کنید نه با زبان خود. چراکه سخنی از دل برخیزد بر دل می‌نشیند و در جان اثر می‌گذارد و بهترین نشانه ایمان گوینده به سخنش این است که خود قبل از دیگران عمل کند (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴: ۱/۲۱۵)، همان‌گونه که علی علیه السلام می‌فرماید: «أَيُّهَا النَّاسُ إِنِّي وَ اللَّهُ مَا أَحْتُكُم عَلَى طَاعَةٍ إِلَّا وَ أَشْبِقُكُمْ إِلَيْهَا وَ لَا أَنهَأَكُم عَنْ مَعْصِيَةٍ إِلَّا وَ أَنتَاهِي قَبْلَكُمْ عَنْهَا» (شریف رضی، ۱۴۱۴: ۲۵۰) ای مردم به خدا سوگند شمارا به هیچ طاعتی تشویق نمی‌کنم مگر قبلاً خودم آن را انجام می‌دهم و از هیچ کار خلافی باز نمی‌دارم مگر اینکه پیش از شما از آن دوری جست‌ه‌ام.

۴. اکتفا به برخی از ابعاد قرآن

خدای سبحان وحدت و انسجام قرآن کریم را در آیاتی، به وحدت و انسجام جهان هستی و آفرینش تشبیه کرده است (ملک (۶۷)، آیه ۳) و هماهنگی آیات به‌گونه‌ای است که اگر یکی از آن‌ها را حذف کنیم مثل آن است که همه آیات را حذف کرده باشیم (جوادی آملی، ۱۳۷۸: ۳۹۵) و لذا در ایمان به قرآن حکیم هم نمی‌توان به برخی از آیات آن ایمان آورد و برخی دیگر آن را نپذیرفت و رها کرد؛ اما گاه افرادی به دستورهایی که برخلاف سلیقه‌های شخصی‌شان است عمل نمی‌کنند در واقع بخشی از دین را می‌پذیرند و قسمت دیگر آن را رها می‌کنند یا مسلمانانی که به احکام فردی عمل می‌کنند، ولی نسبت به مسائل اجتماعی بی‌تفاوت‌اند در حالی ایمان واقعی این است که تسلیم امر خدای متعال باشد و تمام ابعاد قرآن کریم را جامعه عمل بپوشاند تا هدایت واقعی که تنها در سایه قرآن است محقق شود و

اكتفا کردن به برخی از ابعاد قرآن و تبعیض در تعالیم و احکام دین زمینه مهجوریت این کتاب هدایت را فراهم می‌آورد.

خداوند متعال می‌فرماید: «أَفَتُؤْمِنُونَ بِبَعْضِ الْكِتَابِ وَتَكْفُرُونَ بِبَعْضٍ فَمَا جَزَاءُ مَنْ يَفْعَلُ ذَلِكَ مِنْكُمْ إِلَّا خِزْيٌ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ يَرُدُّونَ إِلَىٰ أَشَدِّ الْعَذَابِ» (بقره ۲)، آیه ۸۵). آیا به بعضی از دستورات کتاب آسمانی ایمان می‌آورید و به بعضی کافر می‌شوید؟! برای کسی از شما که این عمل (تبعیض در میان احکام و قوانین الهی) را انجام دهد، جز رسوایی در این جهان، چیزی نخواهد بود و روز رستاخیز به شدیدترین عذاب‌ها گرفتار می‌شوند.

این آیه نسبت به خطر التقاط، هشدار می‌دهد که چگونه افرادی بخشی از دین را می‌پذیرند و قسمت دیگر آن را رها می‌کنند. مسلمانانی که به احکام فردی عمل می‌کنند، ولی نسبت به مسائل اجتماعی بی‌تفاوت‌اند، باید در انتظار خواری و ذلت دنیا و عذاب قیامت باشند و این نشان‌دهنده این است؛ کفر به بعضی از آیات، درواقع کفر به تمام احکام است که چنین عذابی را در پی خواهد داشت (قرائتی، ۱۳۸۳: ۱۵۵/۱). درواقع این یک نوع تفکر است که از دین آنچه را مطابق هوای نفسشان است می‌گیرند (مدرسی، ۱۴۱۹: ۱۹۵/۱).

لذا کتاب الهی که همه آن حق و نور است، تفکیک پذیرفته نیست. همه اصول قرآنی به هم وابسته است نمی‌توان مانند یهود و نصاری گفت: «نُؤْمِنُ بِبَعْضٍ وَ نَكْفُرُ بِبَعْضٍ» (نساء ۴)، آیه ۱۵۰) به بعضی ایمان می‌آوریم و بعضی را انکار می‌کنیم. کسانی که قرآن را پاره‌پاره کرده: «الَّذِينَ جَعَلُوا الْقُرْآنَ عِضِينَ» (حجر ۱۵)، آیه ۹۱) همان‌ها که قرآن را تقسیم کردند آنچه را به سودشان بود پذیرفتند و آنچه را برخلاف هوس‌هایشان بود رها نمودند در حقیقت هیچ چیز قرآن را نپذیرفته‌اند. زیرا قرآن کریم کتاب نوری است که برخی از آیاتش در پرنوری مانند خورشید و برخی چون ماه و برخی مانند ستارگان دیگر است، آیات پرفروغ‌تر قرآن آیات کم‌فروغ را روشن‌تر می‌سازد و همگی در کنار هم فضای کاملاً روشنی را برای هدایت انسان به

ارمغان می‌آورند (جوادی آملی، ۱۳۷۸: ۳۹۵). در روایت هم از عمل کردن به بعضی دستورات قرآن و رها کردن بعضی دیگر نهی شده و آن را جزء اقسام کفر در قرآن شمرده است (کلینی، ۱۴۰۷: ۲/۳۹۱). زیرا ایمان به آن بعض نه برای دستور خدا که برای هماهنگی آن احکام با هواهای نفسانی او بوده و درواقع چنین شخصی ایمان به خدا ندارد که اگر می‌داشت همه دین خدا را می‌پذیرفت.

۵. از دست دادن طهارت باطنی

قرآن دارای مراتب و منازل مختلف است. هر کس به مقدار عقل و ایمان خود مرتبه‌ای از آن را درک می‌کند و میان قرآن و خواننده باید سنخیت باشد تا پیوند با آن امکان‌پذیر باشد زیرا قرآن «هُدًى لِّلْمُتَّقِينَ» (بقره ۲)، آیه ۲) است، پس ظرف تقوا می‌طلبد تا جای خودش را باز کند و انسان با بی‌تقوایی از هدایت قرآن بی‌بهره می‌گردد درواقع ناپاکان باطنی که دل و چشم و گوش باطنی خود به علت اعمالشان از دست می‌دهند، به هر میزانی که دل آن‌ها به زنگار گناه آلوده گردد، واژگون و مختوم گشته و از عقل زلال بی‌بهره و به همان اندازه از فهم دست یافتن به تعالیم و معارف بلند آیات الهی محروم می‌گردد و این خود عاملی از عوامل مهجوریت قرآن است که باعث شده است انسان از قرآن انتفاع کامل را نبرد و زمینه مهجوریت قرآن کریم فراهم شود.

خداوند متعال می‌فرماید: «لَا يَمَسُّهُ إِلَّا الْمُطَهَّرُونَ» (واقعه ۵۶)، آیه ۷۹) که جز پاکان کسی از آن آگاه نیست. از آنجا کلام در سیاق بزرگداشت امر قرآن است، می‌خواهد قرآن را تجلیل کند و از همین جا می‌فهمیم که منظور از مس قرآن دست کشیدن به خطوط آن نیست، بلکه علم به معارف آن است، که جز پاکان خلق کسی به معارف آن عالم نمی‌شود، چون فرموده: قرآن در کتابی مکنون و پنهان است (طباطبایی، ۱۴۱۷: ۱۹/۱۳۷).

از دست دادن طهارت باطنی بسته شدن دل دو عامل عمده دارد: یکی؛ هواپرستی است که انسان پس از روشن شدن حق به جای خدامحوری هوا محور و هوس مدار باشد که مشمول اضلال کیفی خداوند قرار می‌گیرد و خداوند سمع و قلب او را مختوم می‌کند و بر

چشم او پرده‌ای ستر می‌افکند که پس از آن حق را نمی‌شنود و نمی‌بیند و نمی‌فهمد؛ زیرا او عالمانه هواپرست شده است و دیگری: گناه است در واقع عقیده باطل و اخلاق رذیله و عمل باطل و ناپاک به صورت چرک و غباری حجاب آئینه جان آدمی می‌شود و از آن پس نور هدایت در آن نمی‌تابد (جوادی آملی، ۱۳۸۷: ۲/۲۳۱) و زمینه مهجوریت نور هدایت قرآن عزیز فراهم می‌شود.

نتایج

معرفت به عظمت قرآن مانع از مهجوریت قرآن در انقلاب اسلامی می‌شود و علم و معرفت به ارزش‌ها زمینه‌ساز عمل است عظمت قرآن به‌گونه‌ای است که خدا در کلامش تجلی کرده و هر کس در کلامش تجلی می‌کند خود را با کلام به مخاطب نشان می‌دهد... چنان‌که پیامبر خدا ﷺ فرمود: هرگاه فردی از شما دوست داشت با پروردگارش سخن بگوید قرآن بخواند. این ویژگی به‌طور کامل، تنها برای قرآن مجید باقی مانده است و هیچ کتاب آسمانی دیگر، چنین جایگاهی ندارد.. معرفت به کارآمدی قرآن مانع از مهجوریت قرآن در انقلاب اسلامی می‌شود این‌که؛ تأمین‌کننده نیازهای بشر امروز است چراکه کتاب همه زمان‌ها و همه مکان‌هاست و مطابق فطرت انسان‌ها و طوری تأمین‌کننده خواسته‌های بشر است که جانشین هم ندارد همان‌طور که می‌فرماید: آنچه را هیچ‌گاه نمی‌دانستید، به شما یاد می‌دهد. زیرا این گوهر وجودی با ارائه برنامه از طریق انسان‌شناس واقعی، یعنی خداوند شکوفا می‌شود چون فقط خداوند از حقیقت انسان و ابعاد وجودی و نیاز او آگاه است. از طرفی برای هدایت و رسیدن ما به سعادت جامع است. برخی هدف از نزول قرآن توجه بیش‌ازحد به الفاظ و عبارات قرآن می‌دانند و این زمینه مهجوریت قرآن می‌شود؛ زیرا هدف از نزول قرآن این بوده که آیتش سرچشمه فکر و اندیشه و مایه بیداری وجدان‌ها گردد و آن نیز به‌نوبه خود عامل حرکت در مسیر عمل شود. چون مقصد قرآن، چنانچه خود آن صحیفه نورانیه فرماید، هدایت به سبیل سلامت است و اخراج از همه مراتب ظلمات است و این با تدبیر و تفکر به دست می‌آید.. از جمله عواملی است که انسان را از دریافت حقایق

معنوی این قرآن بازمی‌دارد و زمینه مہجوریت می‌شود؛ اینکه انسان سلوک علمی و عملی خود را وضعی خوش‌آیند برای پیوند با قرآن بپندارد و استفاده از قرآن را حفظ همان وضع بداند، در حالی برای پیوند با قرآن تنها به یک‌راه رفته و از راه‌های بسیار دیگر بازمانده است در این صورت عملاً در زمینه‌هایی قرآن را مہجور می‌گذارد.. اعجاز قرآن پایه‌ای برای بسیاری از معارف قرآن است. اگر معجزه بودن قرآن ثابت نشود، نقش هدایتی خود را به خوبی ایفا نمی‌کند. برخی از افراد نگرش محدودی به ابعاد اعجازی قرآن دارند و این زمینه مہجوریت قرآن شده با طرح اعجاز قرآن در ابعاد گوناگون از جمله؛ اعجاز بیانی، اخبار غیبی، اعجاز هماهنگی، اعجاز در بیان معارف، اعجاز تشریحی، اعجاز علمی، اعجاز موسیقی یا نظم آهنگ قرآن، برهان‌های محکم قرآن و اعجاز قرآن از ناحیه شخصیت آورنده آن برای افراد گوناگون و در سطوح مختلف می‌توان آن‌ها را به قرآن علاقه‌مند کرد.. از عوامل زمینه‌هایی که باعث مہجوریت قرآن در جامعه اسلامی شده کنار گذاشتن و رها کردن اهل بیت علیہم‌السلام به‌عنوان آگاه‌ترین انسان‌ها به حقایق وحی و تربیت‌یافتگان اسلام، است در حالی قرآن و عترت دو امانت الهی و دو گوهر گران‌بها و میراث رسول گرامی، وسیله هدایت، سعادت و نجات انسان‌ها هستند.. دشمنان اسلام تصورات باطلی را در مقابله با نور خدا در انقلاب اسلامی به وجود می‌آورند که زمینه مہجوریت قرآن شده است از جمله آن‌ها تصور وجود خطاهای علمی و غیرعلمی مانند؛ تصور ناسازگاری قرآن با واقعیت‌های علمی، تصور تناقض و تعارض آیات با یکدیگر، تصور اشکال ادبی در قرآن و تصور وجود مسائل شخصی پیامبر در قرآن است.

هدف دشمنان استثمار ملت‌هاست از آنجا دین‌داری و تعهد ملت‌ها خصوصاً ملت ایران به اسلام و قرآن که اساس اسلام است را مهم‌ترین مانع سر راه خود می‌بینند از این رو در تلاش‌اند تا عقاید، باورها و افکار این هدف را از راه‌های مختلفی دنبال می‌کنند از جمله ایجاد شبهات دنبال می‌کنند اما ما باید سخن حق قرآن را خود درک نماییم و بدون هرگونه تأثیرپذیری از تبلیغات دشمنان اسلام و وسوسه‌های شیطان رجیم مانع از مہجوریت آن

شویم کم توجه و بی‌توجهی به تلاوت و استماع قرآن کریم زمینه مهجوریت قرآن شده است در حالی قرآن کتابی است خواندنی باید آن را خواند و در معنایش دقت و تدبر نمود چنان‌که خود قرآن بخواندن آن کاملاً اهمیت می‌دهد تأکید خداوند بر قرائت قرآن ما را به عظمت قرائت قرآن هدایت می‌کند.. شیطان موجودی شرور و گمراه‌کننده است که بانفوذ به درون انسان به وسوسه و اغواگری می‌پردازد و زمینه مهجوریت قرآن را به وجود می‌آورد او درباره تمامی بشر این آرزو و این پندار را دارد که همگی آنان را گمراه کند زیرا خودش گفته: «وَأَعْوَيْنَهُمْ أَجْمَعِينَ» قرآن کریم نیز تصریح می‌کند که شیطان را دشمن خود بگیریم.

عمل نکردن متصدیان قرآن به قرآن زمینه مهجوریت شده است چراکه این افراد معمولاً در جامعه اسلامی به عنوان الگو مطرح هستند، خود باید از عاملان به دستورات قرآن باشند تا سعادت و خوشبختی را مردم در زندگی این افراد ببینند زیرا عموم مردم و عوام وقتی عدم هماهنگی بین گفتار و رفتار متصدیان تفسیر قرآن و امور قرآنی را ببینند ناخدا گاه اعتقادشان به قرآن تضعیف می‌شودگاه افرادی به دستورهایی که برخلاف سلیقه‌های شخصی‌شان است عمل نمی‌کنند در واقع بخشی از دین را می‌پذیرند و قسمت دیگر آن را رها می‌کنند و این زمینه مهجوریت شده است در حالی در آیات قرآن کریم، وحدت و انسجامی برقرار است که اگر یکی از آن‌ها را حذف کنیم مثل آن است که همه آیات را حذف کرده باشیم.. اگر دل انسان از طهارت باطنی دور شود، واژگون و مختوم گشته، به همان اندازه از فهم آیات الهی محروم می‌گردد و زمینه مهجوریت قرآن این نور الهی به وجود می‌آید چراکه قرآن «هُدًى لِّلْمُتَّقِينَ» است، پس ظرف تقوا می‌طلبد.

منابع

- قرآن کریم قرآن کریم، ترجمه: ناصر مکارم شیرازی، تهران: دفتر مطالعات تاریخ و معارف اسلامی، ۱۳۸۰ ش.
۱. ابن عاشور، محمد بن طاهر، قرن ۱۴، التحریر و التنویر، بیروت، ج ۲۳، چاپ اول، مؤسسه التاریخ.
 ۲. ابن منظور، محمد بن مکرم، لسان العرب، بیروت، چاپ اول، دار الفکر للطباعة.
 ۳. بستانی، فواد افرام، بی تا فرهنگ ابجدی، مترجم رضا مهیار، قم، ناشر اسلامی.
 ۴. بیهقی، ابوبکر، ۱۴۰۸، دلائل النبوه للبيهقي، محقق: عبد المعطی قلجی، بیروت، ج ۷، اول، دارالکتب العلمیه دارالریان للتراث.
 ۵. تمیمی آمدی، عبد الواجد بن محمد، ۱۴۱۰ ق، غرر الحکم و درر الکلم (مجموعه من کلمات و حکم الإمام علی عليه السلام)، سید مهدی رجائی، قم، چاپ دوم، دارالکتب الإسلامی.
 ۶. جعفری، ابوذر، ۱۳۹۸، تفسیر آیات مربوط به همسران پیامبر صلی الله علیه و آله با تأکید بر شبهات نوپدید، نشریه علمی مطالعات تفسیری، شماره ۳۸.
 ۷. جوادی آملی، عبدالله، ۱۳۷۸، قرآن در قرآن، قم، چاپ دوم، مرکز نشر اسراء.
 ۸. جوادی آملی، عبدالله، ۱۳۹۰، تفسیر تسنیم، قم، چاپ اول، مرکز نشر اسراء.
 ۹. حیدری، فرقانی، بی تا قرآن در قرآن، تهران، ج ۱، چاپ اول، اداره آموزش عقیدتی سیاسی نمایندگی ولی فقیه در سپاه.
 ۱۰. دیلمی، حسن بن محمد، ۱۴۱۲، إرشاد القلوب إلى الصواب (للدیلمی)، قم، ج ۱، چاپ اول، الشریف الرضی.
 ۱۱. راغب اصفهانی، حسین بن محمد، ۱۴۱۲، بیروت، چاپ اول، دارالقلم.
 ۱۲. رضایی اصفهانی، محمد علی، بی تا قرآن و علم، قم، ج ۲، چاپ اول، پژوهش‌های تفسیر و علوم قرآنی.
 ۱۳. ستوده، امیررضا، ۱۳۸۷، پا به پای آفتاب، تهران، ج ۲، چاپ ششم، نشر پنجره.

۱۴. شریف الرضی، محمد بن حسین، نهج البلاغه ترجمه دشتی، محمد دشتی، قم، چاپ اول، مشهور.
۱۵. شریفی محمد و فائز قاسم، ۱۳۶۹، نقد و بررسی شبهات مخالفان درباره اعراب کلماتی از قرآن، سراج منیر، شماره ۲۹.
۱۶. طباطبایی، سید محمدحسین، ۱۴۱۷ ق، المیزان فی تفسیر القرآن، قم، دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه قم،
۱۷. طبرسی، احمد بن علی، ۱۴۰۳ ق، الإحتجاج علی أهل اللجاج (لطبرسی)، مصحح محمدباقر خراسان، مشهد، ج ۱، چاپ اول، نشر مرتضی.
۱۸. طریحی، فخرالدین بن محمد، ۱۳۷۵، مجمع البحرین، محقق احمد حسینی اشکوری، تهران، چاپ سوم، مکتبه المرتضویه.
۱۹. علی بن ابی طالب علیه السلام، ۱۳۷۸، تصنیف غررالحکم و درر الکلم، مصطفی الدرایتی و حسین الدرایتی، قم، چاپ اول، مرکز انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی.
۲۰. فراهیدی، خلیل بن احمد، ۱۴۰۹، کتاب العین، قم، چاپ دوم، نشر هجرت.
۲۱. فضل بن حسن، طبرسی، ۱۳۷۲، مجمع‌البیان فی تفسیر القرآن، تهران، چاپ سوم انتشارات ناصر خسرو.
۲۲. قرائتی، محسن، ۱۳۸۳، تفسیر نور، تهران، چاپ یازدهم، مرکز فرهنگی درس‌هایی از قرآن.
۲۳. قریشی، سید علی اکبر، ۱۳۷۱، قاموس قرآن، تهران، چاپ ششم، دارالکتب الإسلامیه.
۲۴. کلینی، محمد بن یعقوب، ۱۴۰۷، الکافی (ط الإسلامیه)، علی اکبر آخوندی و محمد آخوندی، تهران، چاپ چهارم، دارالکتب الإسلامیه.
۲۵. کمره‌ای، محمدباقر، ترجمه اصول کافی، قم، ج ۲، چاپ سوم، انتشارات اسوه، ۱۳۷۵.
۲۶. مجلسی، محمدباقر، ۱۴۰۳ ق، بحارالانوارط - بیروت، چاپ دوم، دار إحياء التراث العربی.
۲۷. محمدی ری شهری، محمد، ۱۳۸۵، منتخب میزان الحکمه، مترجم حمیدرضا شیخی، تخلیص سید حمید حسینی، قم، چاپ چهارم، دارالحدیث.

۲۸. مدرسی، سید محمدتقی، ۱۴۱۹ ق، من هدی القرآن، تهران، چاپ اول دارالمحبی الحسین.
۲۹. مصباح یزدی، محمدتقی ۱۳۷۶، قرآن‌شناسی، محمود رجیبی، قم، ج ۱، چاپ اول، انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه.
۳۰. مصباح یزدی، محمدتقی، ۱۳۷۷، اخلاق در قرآن، قم، چاپ سوم، انتشارات مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی رحمته‌الله‌علیه.
۳۱. مصطفوی، حسن، ۱۴۳۰ ق، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، بیروت، چاپ سوم، دارالکتب العلمیه.
۴۰. مکارم شیرازی، ناصر، ۱۳۷۴، تفسیر نمونه، تهران، چاپ اول، دارالکتب الاسلامیه.
۴۱. موسوی خمینی، سید روح‌الله، ۱۳۸۸ صحیفه امام، تهران، ج ۴، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام رحمته‌الله‌علیه.
۴۲. موسوی خمینی، سید روح‌الله، ۱۳۸۸، آداب الصلاة، تهران، چاپ شانزدهم، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی رحمته‌الله‌علیه.
۴۴. <https://farsi.khamenei.ir/newspar>، سایت مقام معظم رهبری، ۱۵ مرداد ۱۳۹۹.
۴۵. <https://idc0-cdn0.khamenei.ir/ndata/news/41673/971122>، بیانیه گام دوم
- سایت مقام معظم رهبری، ۱۱ اسفند، ۱۳۹۹.

